

حداقل دستمزد در ایران

مقدمه

حداقل دستمزد در واقع مقرراتی است در بازار نیروی کار که سطح پرداخت به کارگران را تعیین می‌کند. مقررات حداقل دستمزد در بسیاری از کشورها برآیند تعامل میان سه دسته از نقش آفرینان است: کارگران، کارفرمایان، و دولت. ایران نیز در آخرین ماه هر سال شاهد مشاجرات جدی میان همین سه دسته بر سر تعیین حداقل دستمزد است. رگه‌ای از واقع بینی در مواضع همه طرف‌های ذی‌نفع در تعیین حداقل دستمزد وجود دارد.

در این مقاله ابتدا برخی ابعاد نظری مقررات تعیین حداقل دستمزد بررسی می‌شود. سپس تاریخچه پیدایش و نحوه تعیین حداقل دستمزد و داده‌های آماری مرتبط با حداقل دستمزدها طی پنجاه سال گذشته در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نهایتاً نیز نوعی جمع‌بندی به عمل خواهد آمد، با این نتیجه که بخش مهمی از معضل حداقل دستمزد در اقتصاد ایران را می‌توان با تمرکز روی مناسباتی حل و فصل کرد که فراتر از روابط میان کارفرمایان و کارگران است.

حداقل دستمزد در نظر

تاریخ حمایت از حداقل دستمزد به حوالی پایان قرن نوزدهم بازمی‌گردد. مقررات حداقل دستمزد در این مقطع زمانی از سیاست‌هایی به حساب می‌آید که برای حفاظت کارگران در مقابل پیامدهای منفی نیروهای بازار اتخاذ می‌شد. زلاندنو اولین کشوری بود که قانون حداقل دستمزد را در سال ۱۸۹۴ به تصویب رساند. سپس استرالیا در سال ۱۹۰۴ و انگلستان و ایرلند در سال ۱۹۰۹

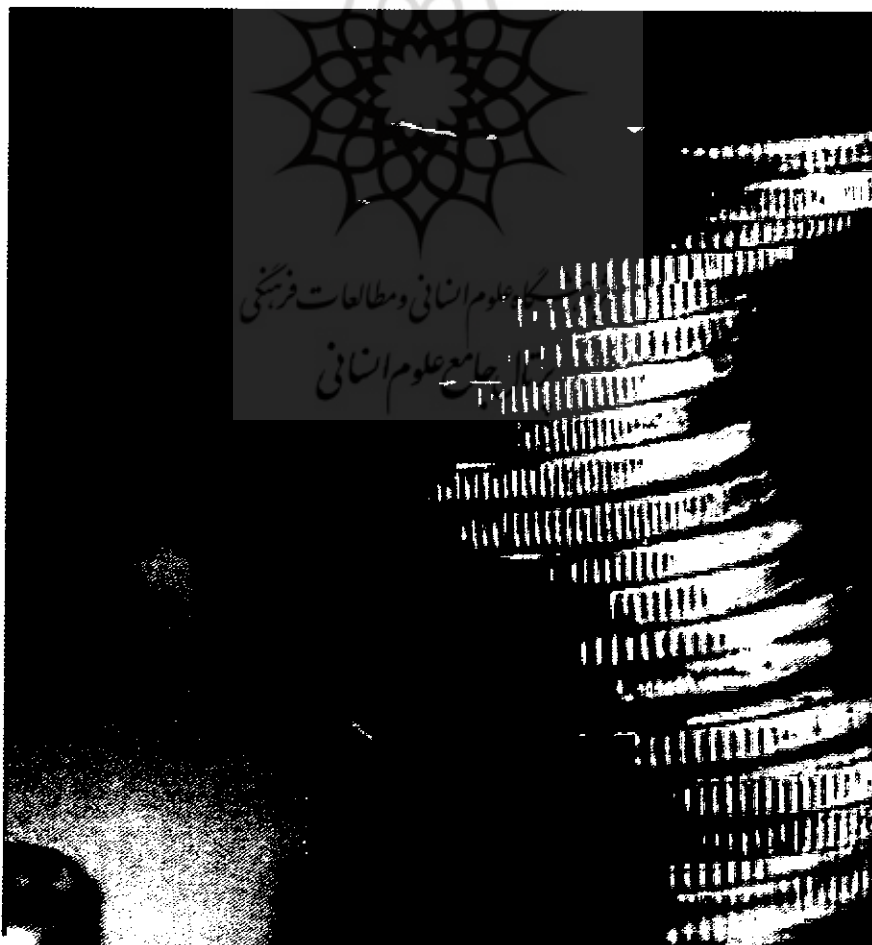
نیز قوانین مشابهی را به تصویب رساندند. سازمان بین‌المللی کار تخمین می‌زند که امروز بیش از نود درصد از کشورها به نحوی از انحا از مقررات حداقل دستمزد برخوردارند.^۱ با این حال، همواره مخالفت‌های زیادی نیز دربارهٔ مداخلهٔ دولت در این زمینه صورت گرفته است.

مخالفان برقراری حداقل دستمزد عمدتاً از نظریهٔ قیمت نئوکلاسیکی برای طرح بحث استفاده می‌کنند. مطابق با این رویکرد، چون بازار کار در سطح دستمزدی که عرضه و تقاضای کار را با یکدیگر برابر کند به تعادل می‌رسد، تعیین سطح دستمزد در هر سطح دیگری غیر از دستمزد تعادلی به عدم تعادل بازار کار می‌انجامد. چون قانون حداقل دستمزد طبیعتاً سطح دستمزد را بالاتر از سطح دستمزد تعادلی تعیین می‌کند، شکافی که بین تقاضا و عرضهٔ کار ایجاد می‌شود موجب بیکاری خواهد شد. مبنای مخالفت طرفداران این رویکرد با تعیین و افزایش حداقل دستمزدها بر همین استدلال استوار است. به عبارت دیگر، رویکرد نئوکلاسیک بر اولویت نیروهای بازاری بر فرایندهای غیربازاری تأکید می‌کند. آن‌هم با این استدلال که اگر بازار کار در معرض قانون حداقل دستمزد قرار بگیرد به تخصیص غیربهینهٔ منابع دامن خواهد زد.^۲

موافقان برقراری حداقل دستمزد اما باوری یک‌سویه به نیروهای بازاری برای تعیین دستمزد ندارند و معتقدند که نهادها و فرایندهای غیربازاری نیز باید در تعیین دستمزد نقش ایفا کنند. از نگاه موافقان تعیین حداقل دستمزد، «دستمزد قیمت کالای معینی به نام توان کار است.»^۳ در این جا «توان کار» به عنوان کالایی قابل مبادله مطرح می‌شود که چون کالای خاصی است به قیمت آن «دستمزد» اطلاق می‌شود. از آن‌جا که قیمت یک کالا هزینهٔ بازتولید آن نیز به حساب می‌آید، دستمزد نیز هزینهٔ بازتولید نیروی کار محسوب می‌شود که هم بر بازتولید کوتاه‌مدت دلالت دارد و هم بر بازتولید درازمدت. هزینهٔ تولید نیروی کار ساده عبارت است از هزینهٔ ادامهٔ حیات و تکثیر نسل کارگر. میزان هزینهٔ حیات و تکثیر نسل نیز حداقل دستمزد را شکل می‌دهد.^۴ بنابراین، مطابق با چنین رویکردی، دستمزد باید تأمین‌کنندهٔ کلیهٔ هزینه‌های این بازتولید (اعم از هزینه‌های خوراک، پوشاک، درمان، مسکن، آموزش و غیره) باشد.

سازمان بین‌المللی کار تاکنون چندین مقاله‌نامه و توصیه‌نامه برای نحوهٔ تعیین حداقل دستمزد صادر کرده است. تعریف حداقل دستمزد از نگاه سازمان بین‌المللی کار عبارت است از پایین‌ترین سطح حق‌الزحمه‌ای که در قانون یا در واقعیت اجازه داده شده تا صرف‌نظر از شیوهٔ محاسبه یا صلاحیت کارگر به وی پرداخت شود.^۵ نخستین مقاله‌نامهٔ سازمان بین‌المللی کار در خصوص حداقل دستمزد عبارت است از مقاله‌نامهٔ شمارهٔ ۲۶ که در سال ۱۹۲۸ به تصویب این سازمان رسید. در این مقاله‌نامه در مورد روش‌های تعیین حداقل دستمزدها بحث شده است و توصیه‌نامهٔ شمارهٔ ۳۰ نیز که در همان سال به تصویب رسید بر مشارکت سازمان‌های کارفرمایی

و کارگری در فرآیند تعیین حداقل دستمزد تأکید کرده است. در سال ۱۹۵۱، مقاله‌نامه شماره ۹۹ و توصیه‌نامه شماره ۸۹ با الهام از مقاله‌نامه شماره ۲۶ و با تأکید بر تحت پوشش قراردادن مؤسسات کشاورزی و مشاغل وابسته به تصویب رسید. آخرین مقاله‌نامه مربوط به سال ۱۹۷۰ است. مقاله‌نامه شماره ۱۳۱ که بر توجه به مذاکرات سه‌جانبه برای روش تعیین دستمزد و توجه به نیازهای کارگران و ضرورت‌های توسعه اقتصادی تأکید می‌کند با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه مورد تصویب قرار گرفت. توصیه‌نامه شماره ۱۳۵ نیز در همین سال تصویب شد. در این توصیه‌نامه بر رعایت و توجه به شش مؤلفه برای تعیین حداقل دستمزد تأکید شده است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: اول، نیازهای کارگران و خانواده آنان؛ دوم، سطح عمومی مزدها در کشور (نگاه مقایسه‌ای بین حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزدی)؛ سوم، هزینه زندگی و تغییرات آن (توجه به شاخص قیمت‌ها)؛ چهارم، مزایای تأمین اجتماعی (برای حداقل کردن قرار بیمه‌ای)؛ پنجم، استانداردهای نسبی زندگی سایر گروه‌های اجتماعی (توجه به کاهش فقر نسبی)؛ و ششم، عوامل اقتصادی و ضروریات توسعه اقتصادی.



با توجه به مقاله‌نامه‌های مذکور و توصیه‌نامه‌های مرتبط می‌توان از تعیین حداقل دستمزد به عنوان یک «ابزار اساسی سیاست اقتصادی و اجتماعی نام برد، زیرا از طریق تعیین صحیح آن می‌توان به اهداف مختلفی از توزیع درآمد تا رقابت‌پذیری اقتصادی دست یافت.»^۴ به عبارت دیگر، تعیین حداقل دستمزد نوعی سیاست اجتماعی تأثیرگذار در هر دو حوزه اجتماعی و اقتصادی است و خطا در تعیین آن می‌تواند به پیامدهای نامطلوب در کوتاه‌مدت و درازمدت بیانجامد. در حوزه اجتماعی، اگر حداقل دستمزد کمتر از حد لازم قرار گیرد (در رده دهک‌های اول و دوم درآمدی)، اثر درازمدت آن عبارت است از تشدید فقر و پایداری فقر گروه‌های بیشتری از مردم. در حوزه اقتصادی اما استمرار تولید نیز مهم است. چه بسا ابتدا گمان شود هر چه حداقل دستمزد پایین‌تر تعیین شده باشد برای وجه اقتصادی و تولید بهتر است اما چنان‌چه تأثیرات این امر در حوزه اجتماعی نیز به حساب آید روشن خواهد شد که این امر حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند برای فعالیت‌های اقتصادی مضر باشد؛ زیرا نیروی کاری که احساس حداقل ایمنی ندارد طبیعتاً نمی‌تواند مشارکت مناسبی در فرآیند تولید نیز داشته باشد. حداقل دستمزد باید بتواند در کوتاه‌مدت تور ایمنی مناسبی برای حمایت از نیروی کار ایجاد کند. از این رو، تلفیق آثار کوتاه‌مدت و درازمدت و نگاه اجتماعی و اقتصادی است که دولت‌ها را همیشه به مداخله در این زمینه واداشته است.

نکته دیگر در خصوص تعیین حداقل دستمزد عبارت است از سطح یا حوزه سیاست‌گذاری در این زمینه. به طور عام چهار سطح برای تعیین حداقل مزد وجود دارد: اول، سطح ملی؛ دوم، سطح منطقه‌ای؛ سوم، به تفکیک صنعت؛ و چهارم، به تفکیک مشاغل. گاه تلفیقی از این موارد نیز به کار گرفته می‌شود. انتخاب هر کدام از این روش‌ها به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور بستگی دارد. مثلاً روش ملی برای کشورهایی که دارای همگنی بیشتری در سطوح توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند کاربرد دارد.

مسئله دیگری که در تعیین حداقل دستمزد و تعدیل آن اهمیت دارد دوره‌های تعدیل است. دوره‌های تعدیل به ثبات شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و هم‌چنین قدرت چانه‌زنی گروه‌های ذی‌نفع بستگی دارد. در کشورهایی که نرخ تورم پایینی دارند دوره‌های تعدیل گاه تا چند سال می‌رسد و در کشورهایی که نرخ تورم بالا دارند تعدیل در حداقل دستمزد عموماً به صورت سالانه و در برخی موارد به صورت فصلی یا شش‌ماهه صورت می‌گیرد.

حداقل دستمزد در عمل

تعیین حداقل دستمزد در ایران بیش از شصت سال سابقه دارد و به تحولات بعد از جنگ جهانی دوم در ایران و تحرک نیروهای سیاسی و اجتماعی در آن دوران بازمی‌گردد. این امر «برای اولین بار در ایران توسط تصویب‌نامهٔ قانونی ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ توصیه شد و انجام آن را به هیئت حل اختلاف واگذار نمود که با رعایت هزینهٔ زندگی و عائلهٔ کارگر در نقاط مختلف کشور برای مدت یک‌سال تعیین و به تصویب شورای عالی کار برسد.»^۶ در سال ۱۳۲۸ دخالت دولت به صورت جدی‌تری مطرح و مقرر شد میزان حداقل دستمزد به گونه‌ای تأمین شود که هزینهٔ زندگی کارگر و یک زن و دو فرزند او را فراهم کند. در آن زمان بر منطقه‌بندی کشور و توجه به صنایع مختلف نیز تأکید شده بود. سپس بنا به قانون مصوب سال ۱۳۳۷ و به استناد تصویب‌نامهٔ مورخ ۱۳۳۹/۱۱/۱۸ شورای عالی کار مقرر شد که اولاً تعیین حداقل به جای سالانه هر دو سال یک بار انجام شود و ثانیاً به صورت منطقه‌ای یا استانی صورت پذیرد و در هر استانی هیئت تعیین حداقل دستمزد (مرکب از سه نمایندهٔ کارگران، سه نمایندهٔ کارفرمایان و سه نمایندهٔ دولت) تشکیل و نسبت به تعیین آن اقدام کنند. نتیجهٔ این مذاکرات باید به تأیید وزارت کار نیز برسد. در واقع از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۷ یک روند تمرکزگرایی در اتخاذ تصمیم در این مورد و افزایش نقش دولت اتفاق افتاد. در آیین‌نامهٔ حداقل دستمزد نیز برای تعیین حداقل دستمزد «آمار و اطلاعات وزارت کار، سطح زندگی متداول کارگران منطقه، شرایط اقلیمی، عادات محلی، بدی و سختی آب و هوا مورد توجه واقع شده است.»^۷ با توجه به وضعیت اقتصادی و عدم طبقه‌بندی شغل کارگران، در این فاصله چندین سال افزایشی در حداقل دستمزدها رخ نداد.



در سال ۱۳۴۷ آیین‌نامهٔ حداقل مزد مورد بازبینی قرار گرفت و با انجام اصلاحاتی بالاخره در ۱۳۵۰/۸/۱۷ به تصویب شورای عالی کار رسید. در این آیین‌نامه برای نخستین بار اقدام به تعریف کارگر عادی شد و مقرر شد که هر دو سال یک بار حتماً باید نسبت به تعدیل حداقل دستمزد اقدام کرد. انتخاب شش نمایندهٔ اصلی و علی‌البدل از کارگران از بین سندیکاهای مربوطه و شش نمایندهٔ کارفرمایان از سندیکاهای مربوطه یا کارفرمایانی که حداقل ۵۰۰ کارگر در استخدام دارند در کنار نمایندگان دولت (به جای نمایندهٔ شورای اقتصادی که قبلاً حضور داشت نمایندهٔ بانک مرکزی حضور خواهد داشت) نیز از جمله مفاد آیین‌نامهٔ جدید بود. در این آیین‌نامه بر توجه به سطح زندگی کارگران در هر منطقه یا صنعت و وضعیت اقتصادی و اقلیمی آنها نیز تأکید شده بود. مطابق این آیین‌نامه، کشور به سه منطقه تقسیم شده بود. استان‌ها و شهرهای عمدتاً صنعتی (مانند تهران، کرج، رشت، پهلوی، ساری، تبریز، اهواز، شیراز و بندرعباس) در منطقهٔ یک قرار داشتند. در منطقهٔ دوم شهرهایی مانند اراک، کاشان، زنجان، آستارا، چالوس، رضاییه، بروجرد، دزفول، مشهد و اصفهان قرار داشتند و منطقهٔ سوم شامل کلیهٔ شهرهایی که جزو مناطق اول و دوم نبودند می‌شد. حداقل دستمزد روزانه در این مناطق عبارت بود از ۶۰ ریال در منطقهٔ یک، ۵۵ ریال در منطقهٔ دو، و ۵۰ ریال در منطقهٔ سه.

قابل توجه این که نه به تقسیم‌بندی بین صنایع توجه شده بود و نه به تقسیمات کشوری. تقسیم‌بندی اساساً با توجه به میزان صنعتی‌بودن و هزینه‌های زندگی صورت گرفته بود. تقسیم‌بندی مذکور مربوط به سال ۱۳۴۷ بود. در سال ۱۳۵۰ این تقسیم‌بندی مورد بازبینی قرار گرفت و سه منطقه به دو منطقه تبدیل شد. حداقل دستمزد برای صنایع مختلف نیز در این سال به تصویب رسید. لازم به ذکر است که بالاترین دستمزد مربوط به کارگران شاغل در صنایع نفت در مناطق جنوب کشور بود (۱۴۰ ریال در روز). سپس صنایع خوراکی (قند و روغن)، و بعد از آن نیز صنایع سیمان. در سال ۱۳۵۲ حداقل دستمزد برای دو منطقه به صورت کلی تعیین شد و وزارت کار موظف شد که به جای تعدیل دوسالانه هر ساله مزد کارگران در مطابقت با هزینهٔ زندگی تعدیل شود.

برای سومین بار در تاریخ ۱۳۵۳/۳/۱۹ آیین‌نامهٔ حداقل دستمزد بازبینی شد و در ۱۴ ماده و چهار تبصره به تصویب شورای عالی کار رسید. در این تجدیدنظر، ضمن تأکید بر تعیین سالانهٔ حداقل دستمزد مطابق با نیازهای ضروری و هزینهٔ زندگی کارگر و یک زن و دو فرزند ۱۲ ساله، برای نخستین بار بر تأثیر حداقل دستمزد مطابق با فرمول ارایه شده بر دیگر سطوح دستمزدی نیز تأکید شده بود. لازم به ذکر است که دعوت برای برگزاری جلسات هیئت تعیین حداقل مزد و تعیین صورت جلسه‌های آن بر عهدهٔ وزارت کار و امور اجتماعی گذاشته شده بود. حداقل دستمزد

در مناطق یک و دو به ترتیب ۱۰۵ و ۹۵ ریال تعیین شد.

در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۲۷ طی مصوبه دیگری سیستم منطقه‌بندی حذف شد و برای برخی صنایع این رقم تعیین شد (رقم کلی برابر ۲۱۰ ریال و برای صنایع مختلف به صورت متفاوت تعیین شد). در سال ۱۳۵۸ در یک تغییر بنیادین دیگر در این روند، تقسیم‌بندی بر حسب صنایع نیز حذف و بر اعلام یک مزد کلی برای تمامی کشور تأکید شد. در این سال افزایش قابل‌ملاحظه‌ای در افزایش حداقل دستمزد نیز اعمال شد.

هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱ اعلام سبد هزینه کارگر را که باید مبنای تعیین حداقل مزد می‌شد چنین تعریف کرد: «خوراک شامل نان و شکر و گوشت و مرغ و برنج و چای و پنیر و نخود و لوبیا و ماست؛ سوخت و روشنایی شامل ذغال و کبریت و برق؛ مسکن شامل یک اتاق ۱۲ متری؛ پوشاک شامل دو دست لباس و دو پیراهن و چهار جفت جوراب و یک جفت کفش و یک جفت گیوه و یک کلاه و علاوه بر آن ۷۵ درصد از بهای مواد پوشاک برای زن و فرزندان کارگر و ۱۰ درصد برای لوازم متفرقه».^۹

آخرین تغییرات در زمینه تعیین حداقل دستمزد را می‌توان در قانون کار مصوب مهرماه ۱۳۶۸ دانست. در ماده ۳۵ این قانون به تعریف مزد پرداخته شده است. مطابق این ماده، «مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیرنقدی و یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود.» البته در ماده ۴۲ همین قانون در خصوص حداقل دستمزد چنین بیان می‌شود که «حداقل مزد موضوع ماده ۴۱ این قانون منحصراً باید به صورت نقدی پرداخت شود.» در واقع قانون تأکید دارد که هر گونه پرداختی در سطح حداقل باید نقدی پرداخت شود و در سطوح بالاتر می‌تواند پرداخت‌های غیرنقدی نیز صورت پذیرد. ماده ۴۱ قانون کار به عنوان مبنای حداقل دستمزد به قرار ذیل است: «شورای عالی کار همه‌ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای زیر تعیین نماید: ۱) حداقل مزد کارگران باید با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین شود؛ ۲) حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول‌شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده را، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود، تأمین نماید.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نرخ تورم به عنوان مهم‌ترین شاخص برای تعدیل حداقل مزد در نظر گرفته شده است و در کنار آن نیز به بعد خانوار اشاره شده است. شورای عالی کار، متشکل از وزیر کار و امور اجتماعی (به عنوان رئیس شورا)، دو نفر بصیر مطلع به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیئت وزیران، سه نفر نماینده کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی) و سه نفر

نماینده کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی)، مسئولیت این تعدیل را به عهده دارد. دو نکته در این بین قابل توجه است: نخست توجه به بُعد خانوار که ضمن آن که مرجع تعیین آن به طور مشخص در قانون آورده نشده است، در مصوبات شورای عالی کار نیز کمتر به آن پرداخته شده است. نکته دوم نیز حضور افرادی از بخش کشاورزی در این شورا است. با توجه به این که تعیین حداقل دستمزد از نظر تاریخی اساساً شامل بخش صنعت می‌شد، کمتر توجهی به بخش کشاورزی می‌شد. در سال ۱۳۵۹ برای اولین بار حداقل دستمزد در بخش کشاورزی به میزان ۵۸۵ ریال در روز تعیین شد ولی تا سال ۱۳۶۳ موضوع مسکوت ماند، در این سال در پی درخواست‌های مکرر کارگران این بخش این رقم تعدیل شد و به ۶۳۵ ریال افزایش یافت. در سال‌های بعد توجه به این بخش به شکل جدی‌تری صورت گرفت و «در سال ۱۳۷۰ شورای عالی کار اعلام کرد مصوبات خود پیرامون تعیین حداقل دستمزد در مورد بخش صنعت را نیز راجع به کارگران بخش کشاورزی اجرا می‌کند و از سال ۱۳۷۰ برای کلیه کارگران مشمول قانون کار اعم از کشاورز و غیر کشاورز یک حداقل مزد اعلام می‌شود»^۱



روند حداقل دستمزد

همان طور که در جدول شماره یک نشان داده شده است، میزان حداقل دستمزد طی سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۸ از ۹۳۰ ریال به ۲۶۳۵۲۰۰ ریال در ماه رسیده است. در همین مدت نرخ تورم به طور متوسط سالانه حدود ۱۵ درصد بوده است. میزان دستمزد واقعی در سال ۱۳۵۸ بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است. همان‌گونه که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، اگر سال ۱۳۵۸ را سال پایه انتخاب کنیم، حداقل دستمزد واقعی (بر اساس قدرت خرید در سال ۱۳۵۸) از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۸۷ قریب به ۴۰ درصد کاهش داشته است، یعنی از ۴۹۸۳۷۵ ریال به ۳۰۴۷۶۲ ریال رسیده است، آن‌هم علی‌رغم تأکیدات قانونی بر رعایت افزایش هزینه‌های زندگی در تعیین حداقل دستمزد. اگر قرار باشد قدرت خرید نیروی کار به اندازه قدرت خریدش در سال ۱۳۵۸ باشد باید حداقل دستمزد ماهانه به رقم ۴۹۸۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۸۸ افزایش می‌یافت. طی دوره بیست‌ساله قبل از ۱۳۵۸ بالاترین رشد مربوط به سال ۱۳۴۸ بود، سالی که آیین‌نامه جدید حداقل مزد اجرا شد. رشد بالای دیگر مربوط به سال ۱۳۵۳ است، سالی که آیین‌نامه مذکور ضمن افزایش قیمت نفت دستخوش آخرین اصلاحات قرار گرفت. طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ دستمزد واقعی با نرخ رشد منفی همراه بود. بالاترین کاهش در دستمزد واقعی و اسمی نیز مربوط به ۱۳۵۵ است.

گفتگو

جدول ۱: شاخص حداقل دستمزد طی سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۸^{۱۱}

سال	حداقل دستمزد (ریال)	نرخ رشد حداقل دستمزد	نرخ تورم	شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی	حداقل دستمزد واقعی بر اساس سال پایه ۱۳۵۸ (ریال)	نرخ رشد شاخص دستمزد واقعی	شاخص دستمزد واقعی
۱۳۳۸	۹۳۰	.	۱۳	۰/۸۱	۹۷۸۹۱	.	۱۹/۶۴
۱۳۳۹	۹۳۰	.	۷/۸	۰/۸۸	۹۰۱۰۴	-۸	۱۸/۰۸
۱۳۴۰	۹۳۰	.	۱/۵	۰/۸۹	۸۹۰۰۹۱	-۱	۱۷/۸۸
۱۳۴۱	۱۰۵۰	۱۲/۹	۱	۰/۷۹	۹۹۴۷۰	۱۲	۱۹/۹۶
۱۳۴۲	۱۰۵۰	.	۱	۰/۹۱	۹۸۳۷۶	-۱	۱۹/۷۴
۱۳۴۳	۱۰۵۰	.	۴/۲	۰/۹۵	۹۶۲۳۴	۴	۱۸/۹۱
۱۳۴۴	۱۰۵۰	.	۰/۲	۰/۹۵	۹۶۲۳۴	.	۱۸/۹۱
۱۳۴۵	۱۰۵۰	.	۱/۸	۰/۹۶	۹۳۲۵۲	-۱	۱۸/۷۱
۱۳۴۶	۱۰۵۰	.	۰/۹	۰/۹۶	۹۳۲۵۳	.	۱۸/۷۱
۱۳۴۷	۱۰۵۰	.	۱/۵	۰/۹۹	۹۰۴۲۷	-۳	۱۸/۱۴

سال	حداقل دستمزد (ریال)	نرخ رشد حداقل دستمزد	نرخ تورم	شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی	حداقل دستمزد واقعی بر اساس سال پایه ۱۳۵۸ (ریال)	نرخ رشد شاخص دستمزد واقعی	شاخص دستمزد واقعی
۱۳۴۸	۱۶۵۰	۵۷/۱	۳/۸	۱/۰۱	۱۳۹۲۸۶	۵۴	۲۷/۹۵
۱۳۴۹	۱۶۵۰	.	۱	۱/۰۳	۱۳۶۵۸۱	-۲	۲۷/۴۱
۱۳۵۰	۱۹۵۰	۱۸/۲	۵/۶	۱/۰۹	۱۵۲۵۲۹	۱۲	۳۰/۶۱
۱۳۵۱	۱۹۵۰	.	۶/۳	۱/۱۵	۱۴۴۵۷۱	-۵	۲۹/۰۱
۱۳۵۲	۲۴۰۰	۲۳/۱	۱۱/۴	۱/۲۸	۱۵۹۸۶۲	۱۱	۳۲/۰۸
۱۳۵۳	۳۹۳۰	۶۳/۸	۱۵/۶	۱/۴۸	۲۲۶۳۹۹	۴۲	۴۵/۴۲
۱۳۵۴	۴۵۶۰	۱۶/۰	۹/۹	۱/۶۳	۲۳۸۵۱۸	۵	۴۷/۸۶
۱۳۵۵	۴۲۳۰	-۷/۲	۱۶/۵	۱/۹	۱۸۹۸۱۵	-۲۰	۳۸/۰۹
۱۳۵۶	۵۴۰۰	۲۷/۷	۲۴/۹	۲/۳۷	۱۹۴۴۶۳	۲	۳۸/۹۸
۱۳۵۷	۶۳۰۰	۱۶/۷	۱۰	۲/۶۱	۲۰۵۸۰۰	۶	۴۱/۲۹
۱۳۵۸	۱۷۰۰	۱۷۰/۰	۱۱/۳	۲/۹۱	۴۹۸۲۵۵	۱۴۲	۱۰۰/۰۰
۱۳۵۹	۱۹۰۰	۱۲/۰	۲۳/۶	۳/۵۹	۴۵۲۴۲۴	-۹	۹۰/۷۸
۱۳۶۰	۱۹۰۰	.	۲۳	۴/۴۲	۳۶۷۶۶۶	-۱۹	۷۳/۷۳
۱۳۶۱	۱۹۰۰	.	۱۹/۲	۵/۲۶	۳۰۸۷۳۲	-۱۶	۶۱/۹۶
۱۳۶۲	۱۹۰۰	.	۱۴/۸	۶/۰۴	۲۶۸۹۰۷	-۱۳	۵۳/۹۶
۱۳۶۳	۱۹۰۰	.	۱۰/۴	۶/۶۷	۲۴۳۵۰۸	-۹	۴۸/۸۶
۱۳۶۴	۲۱۶۰۰	۱۳/۴	۶/۹	۷/۱۳	۲۵۸۲۹۱	۶	۵۱/۸۳
۱۳۶۵	۲۱۶۰۰	.	۲۳/۷	۸/۸۲	۲۰۸۸۰۰	-۱۹	۴۱/۹۰
۱۳۶۶	۲۲۸۰۰	۵/۶	۲۷/۷	۱۱/۲۶	۱۷۷۲۶۴	-۱۷	۳۴/۶۶
۱۳۶۷	۲۴۹۰۰	۹/۲	۲۸/۹	۱۴/۵۲	۱۴۶۲۱۰	-۱۵	۲۹/۳۴
۱۳۶۸	۳۰۰۰۰	۲۰/۵	۱۷/۴	۱۷/۰۵	۱۵۰۰۰۰	۳	۳۰/۱۰
۱۳۶۹	۳۰۰۰۰	.	۹	۱۸/۵۸	۱۳۷۶۶۴	-۸	۲۷/۶۲
۱۳۷۰	۵۰۰۰۰	۶۶/۷	۲۰/۷	۲۲/۴۳	۱۵۰۰۰۰	۳۸	۳۸/۱۴
۱۳۷۱	۶۸۰۰۰	۳۶/۰	۲۴/۴	۲۷/۹	۲۰۷۸۳۲	۹	۴۱/۷۰
۱۳۷۲	۸۹۸۲۰	۳۲/۱	۲۲/۹	۳۴/۲۶	۲۲۳۵۲۷	۸	۴۴/۸۵
۱۳۷۳	۱۱۶۸۲۰	۳۰/۱	۳۵/۲	۴۶/۳۲	۲۱۵۰۲۷	-۴	۴۳/۱۵
۱۳۷۴	۱۶۰۰۰۰	۳۷/۰	۴۹/۴	۶۹/۱۹	۱۹۷۱۶۱	-۸	۳۹/۵۶
۱۳۷۵	۲۰۷۲۱۰	۲۹/۵	۲۳/۲	۸۵/۲۶	۲۰۷۲۱۰	۵	۴۱/۵۸
۱۳۷۶	۲۵۴۴۰	۲۲/۸	۱۷/۳	۱۰۰/۰۰	۲۱۶۹۵۲	۵	۴۳/۵۳
۱۳۷۷	۳۰۱۵۳۰	۱۸/۵	۲۰	۱۲۰/۰۰	۲۱۴۲۳۷	-۱	۴۲/۹۹
۱۳۷۸	۳۶۱۸۳۰	۲۰/۰	۲۰/۴	۱۴۴/۴۸	۲۱۳۵۲۲	.	۴۲/۸۴
۱۳۷۹	۴۵۸۰۰۰	۲۶/۶	۱۲/۶	۱۶۲/۶۸	۲۴۰۰۵۰	۱۲	۴۸/۱۶
۱۳۸۰	۵۶۷۹۰۰	۲۴/۰	۱۴/۲	۱۸۵/۷۸	۲۶۰۶۱۹	۹	۵۲/۲۹

سال	حداقل دستمزد (ریال)	نرخ رشد حداقل دستمزد	نرخ تورم	شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی	حداقل دستمزد واقعی بر اساس سال پایه ۱۳۵۸ (ریال)	نرخ رشد شاخص دستمزد واقعی	شاخص دستمزد واقعی
۱۳۸۱	۶۹۸۴۶	۲۳/۰	۱۶/۵	۲۱۶/۴۴	۱۷۵۱۳۵	۶	۵۵/۲۱
۱۳۸۲	۸۵۳۳۸	۲۲/۲	۱۵/۶	۲۹۰/۸۳	۲۵۰۱۸۱	-۹	۵۰/۲۰
۱۳۸۳	۱۰۶۶۶۰	۲۴/۹	۱۵/۲	۳۳۵/۶۳	۲۷۱۲۸۲	۸	۵۴/۴۳
۱۳۸۴	۱۲۲۵۹۲۳	۱۵/۰	۱۲/۱	۳۷۵/۵۷	۲۷۸۳۰۲	۳	۵۵/۸۴
۱۳۸۵	۱۵۰۰۰۰۰	۲۲/۴	۱۲/۵	۴۱۷/۶۳	۳۰۶۲۳۵	۱۰	۶۱/۴۴
۱۳۸۶	۱۸۳۰۰۰۰	۲۲/۰	۱۸/۴	۴۸۹/۹۱	۳۱۸۴۷۸	۴	۶۳/۹۰
۱۳۸۷	۲۱۹۶۰۰۰	۲۰/۰	۲۵/۴	۶۱۴/۳۵	۳۰۴۷۸۲	-۴	۶۱/۱۵
۱۳۸۸	۲۶۳۵۲۰۰	۲۰/۰					

در سال‌های پس از انقلاب نیز روند کاهش دستمزد واقعی از سال ۱۳۵۹ آغاز شد و در سال ۱۳۶۹ (دو سال پس از پایان جنگ ایران و عراق) به پایین‌ترین سطح خود رسید، به گونه‌ای که قدرت خرید کارگران در این سال کمتر از یک سوم سال ۱۳۵۸ بود، معادل سطح درآمد واقعی‌شان در سال ۱۳۴۹.

مقایسه بین هزینه دهک‌های درآمدی با حداقل دستمزد در جدول شماره دو آمده است. طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ حداقل دستمزد حدود ۱۵ درصد از هزینه‌های دهک اول درآمدی (پایین‌ترین دهک درآمدی) بیشتر بوده است. این نسبت طی این سال‌ها به طور متوسط برابر ۶۷ درصد هزینه‌های دهک دوم بوده است. در واقع این ارقام نشان‌دهنده پایین بودن سطح حداقل دستمزد برای جبران هزینه‌های اولیه حفظ و صیانت از نیروی کار است، زیرا اگر متوسط هزینه‌های دهک‌های درآمدی را شاخصی برای متوسط هزینه بازتولید نیروی کار در نظر بگیریم، حداقل دستمزد فقط ۲۴ درصد این هزینه را پوشش می‌دهد.

جدول ۲: نسبت حداقل دستمزد به هزینه دهک‌های درآمدی (به ریال)^{۱۲}

سال	هزینه دهک اول	هزینه دهک دوم	متوسط کل دهک‌ها	حداقل دستمزد	حداقل دستمزد به دهک اول	حداقل دستمزد به دهک دوم	حداقل دستمزد به متوسط کل دهک‌ها
۱۳۷۹	۴۱۱۸۳۳/۳	۷۲۶۷۵۰	۲۱۰۸۷۵۰	۴۵۸۰۱۰	۱/۱۱۲	۰/۶۳۰	۰/۲۱۷
۱۳۸۰	۴۸۳۹۱۶/۷	۸۵۰۵۰۰	۲۴۵۲۸۳۲	۵۶۷۹۰۰	۱/۱۷۲	۰/۶۶۸	۰/۲۳۲
۱۳۸۱	۶۲۹۶۱۶/۷	۱۰۶۰۰۰۰	۳۰۲۵۶۶۷	۶۹۸۴۶۰	۱/۱۱۰	۰/۶۵۹	۰/۲۳۱
۱۳۸۲	۷۹۳۳۵۰	۱۳۶۷۲۵۰	۳۵۶۱۱۷۵	۸۵۳۳۸۰	۱/۲۷۶	۰/۶۲۳	۰/۲۴۱
۱۳۸۳	۹۷۰۵۸۳/۳	۱۶۲۳۹۱۷	۴۴۶۷۳۳۳	۱۰۶۶۰۲۰	۱/۰۹۸	۰/۶۵۶	۰/۲۳۹
۱۳۸۴	۱۰۵۶۰۰۰	۱۷۹۹۹۱۷	۵۱۷۱۴۱۷	۱۲۲۵۹۲۳	۱/۱۶۱	۰/۶۸۱	۰/۲۳۷
۱۳۸۵	۱۱۵۵۹۱۷	۱۹۲۰۶۶۷	۵۸۳۷۸۳۳	۱۵۰۰۰۰۰	۱/۲۹۸	۰/۷۸۱	۰/۲۵۷

آمار حداقل دستمزد و نرخ تورم طی پنجاه سال در جدول شماره یک نشان داده شده است. حداقل دستمزد با توجه به نرخ تورم به صورت شاخص با سال پایه ۱۳۵۸ ارائه شده است. انتخاب سال ۱۳۵۸ به عنوان سال پایه به دو دلیل است: اولاً در این سال بیشترین رشد در حداقل دستمزد صورت گرفته و بالاترین رقم را از این نظر به خود اختصاص داده است؛ و ثانیاً این اولین سال انقلاب و مبین رویکرد جدید حاصل از تحولات در عرصه سیاسی بوده است. جدول شماره دو نیز ارقام مقایسه‌ای بین حداقل مزد و هزینه کل دهک درآمدی اول و دوم و هزینه متوسط دهک‌ها است.

از سویی دیگر، جدول شماره سه نرخ رشد درآمد ملی را با نرخ رشد حداقل دستمزد مقایسه می‌کند. این مقایسه به نحوی از انجا مبین تغییر در سهم نیروی کار از تولید ملی است. این مقایسه نشان می‌دهد که سهم نیروی کار از تولید ملی رو به کاهش بوده است. متوسط نرخ رشد این دو عامل نشان‌دهنده این مسئله است که رشد درآمد ملی به طور متوسط بیش از هشت برابر رشد در دستمزدها بوده است. به این معنا که سهم نیروی کار به نحوی از انجا هر سال نسبت به سال قبل از کل درآمد ملی رو به کاهش بوده است.

جدول ۳: مقایسه نرخ رشد درآمد ملی با نرخ رشد حداقل دستمزد^{۱۳}

سال	درآمد ملی (میلیارد ریال)	نرخ رشد درآمد ملی (به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶)	نرخ رشد حداقل دستمزد واقعی
۱۳۷۰	۲۱۴۴۲۰/۵۲۶۹		
۱۳۷۱	۲۲۱۴۶۹۱/۰۴۷۲	۳/۲۹	۹
۱۳۷۲	۲۴۴۹۲۵/۱۶۸۲	۱۰/۵۹	۸
۱۳۷۳	۲۴۹۵۱۹۴/۰۷۳	۱/۸۸	-۴
۱۳۷۴	۲۳۸۷۹۵/۵۷۴۴	-۴/۳۰	-۸
۱۳۷۵	۲۶۲۵۰۳/۷۸۵۵	۹/۹۳	۵
۱۳۷۶	۲۶۰۵۳۴/۳۲۹۷	-۰/۷۵	۵
۱۳۷۷	۲۶۳۷۸۸/۶۶۹	۱/۲۵	-۱
۱۳۷۸	۲۸۹۷۴۳/۷۲۱۸	۹/۸۴	۰
۱۳۷۹	۳۳۷۹۷۴/۸۳۹۷	۱۶/۶۵	۱۲
۱۳۸۰	۳۵۱۲۵۹/۹۴۶۶	۳/۹۳	۹

سال	درآمد ملی (میلیارد ریال)	نرخ رشد درآمد ملی (به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶)	نرخ رشد حداقل دستمزد واقعی
۱۳۸۱	۳۷۵۲۰۲/۹۱۹۸	۶/۸۲	۶
۱۳۸۲	۴۰۷۶۱۱/۱۴۵۵	۸/۶۴	-۹
۱۳۸۳	۴۶۶۴۷۱/۹۱۸۷	۱۴/۴۴	۸
۱۳۸۴	۵۱۰۹۵۱/۲۴۷	۹/۵۴	۳
۱۳۸۵	۵۴۶۲۸۶/۶۳۱	۶/۹۲	۱

مؤخره

در آخرین ماه هر سال و هم‌زمان با فرارسیدن زمان تصمیم‌گیری بر سر تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال بعد، مجادلات بر سر افزایش دستمزد کارگران بالا می‌گیرد. غالباً دو گروه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند: به اعتقاد گروه اول که عمدتاً دربرگیرنده محافل کارگری و انجمن‌ها و نهادهای صنفی وابسته است، شکاف فزاینده بین نرخ تورم و دستمزد کارگران در طول سالیان گذشته موجب شده که بخش مهمی از کارگران عملاً دارای دستمزدی کم‌تر از حداقل معیشت زندگی دریافت کنند؛ اما بنا بر باور گروه دوم که بعضاً شامل نهادهای کارفرمایی و بسیاری از سیاست‌گذاران دولتی و برخی اقتصاددانان نولیبرال است، افزایش سطح دستمزد در شرایط فعلی موجب ایجاد فشار هزینه بر فرایند تولید، وارد شدن بنگاه‌های اقتصادی به منطقه زیان و در نتیجه تعطیل شدن کارگاه‌ها و افزایش بیکاری و در نهایت متضرر شدن بیشتر طبقه کارگر خواهد شد و از این رو باید از رشد دستمزدها تا حدی ممانعت کرد.^{۱۴}

در این میان واقعیت آن است که رگه‌ای از واقع‌بینی در هر دو طرف مجادله وجود دارد. هم‌بخش‌های قابل توجهی از کارگران با قوانین فعلی حداقل دستمزد از برآوردن نیازهای متعارف زندگی خانواده خویش ناتوان هستند و هم کارفرمایان با دشواری‌هایی برای پذیرفتن نرخ‌های بالاتر در حداقل دستمزد دست‌به‌گریبانند. تضاد منافع میان کارگران و کارفرمایان از این زاویه در کوتاه‌مدت بسیار جدی است. اما برای کاهش این تضاد در درازمدت می‌توان به قلمروهایی فراتر از مناسبات میان کارگران و کارفرمایان رجوع کرد. در واقع کاستن از این تضاد در گرو رفع موانع تولید و رشد اقتصادی در نظام اقتصادی ایران است.

«موانع تولید و رشد اقتصادی در نظام اقتصادی ایران بسیار متعدد است. ریسک بالای سرمایه‌گذاری، پیچیدگی و نارسایی و عدم رعایت قوانین و مقررات در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید، پیچیدگی فرایند اخذ جواز تأسیس بنگاه‌های تولیدی، وجود مراکز متعدد قانونگذاری،

توسعه نیافتگی بازارهای مالی، نقش نامناسب بازار سرمایه در تجهیز منابع مالی، تخصیص نامناسب منابع مالی حساب ذخیره ارزی، معایب قانون تجمیع عوارض، مشکلات قانون مالیات‌های مستقیم، ممنوعیت شرکت‌های دولتی در زمینه سرمایه‌گذاری، پیچیدگی و فساد در فرایند دریافت تسهیلات بانکی، قوانین نامناسب در زمینه صادرات و واردات، بی‌ثباتی در زمینه سیاست خارجی، و جز آن از موانع تولید در اقتصاد ایران به شمار می‌آیند. بر این اساس، این فرضیه قابل تأمل است که محدودیت‌ها و موانع رشد اقتصادی در ایران عمدتاً در ناکارایی‌های سیاسی و اقتصادی و سازمانی ریشه دارد.^{۱۵}

با توجه به مجموع این شرایط به نظر می‌رسد که تشکلهای صنفی به‌خصوص تشکلهای کارفرمایی باید به جای دست‌گذاشتن بر حداقل معاش طبقه کارگر، برای تصحیح سیاست‌های کلان تجاری، پولی و مالی کوشش کنند. همچنین نهادهای کارگری نیز در کنار تلاش برای افزایش دستمزد (که ضرورتی ناگزیر است) باید نسبت به طرح سایر مطالبات مانند از میان برداشتن موانع ساختاری تولید، تصحیح سیاست‌های کلان اقتصادی، و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید به عنوان خواسته‌های خود مبادرت ورزند.^{۱۶} بخشی از معضله حداقل دستمزد در اقتصاد ایران را می‌توان با تمرکز روی رفع موانع تولید حل کرد، موانعی که عمدتاً در جایی فراتر از مناسبات میان کارفرمایان و کارگران نهفته شده‌اند.

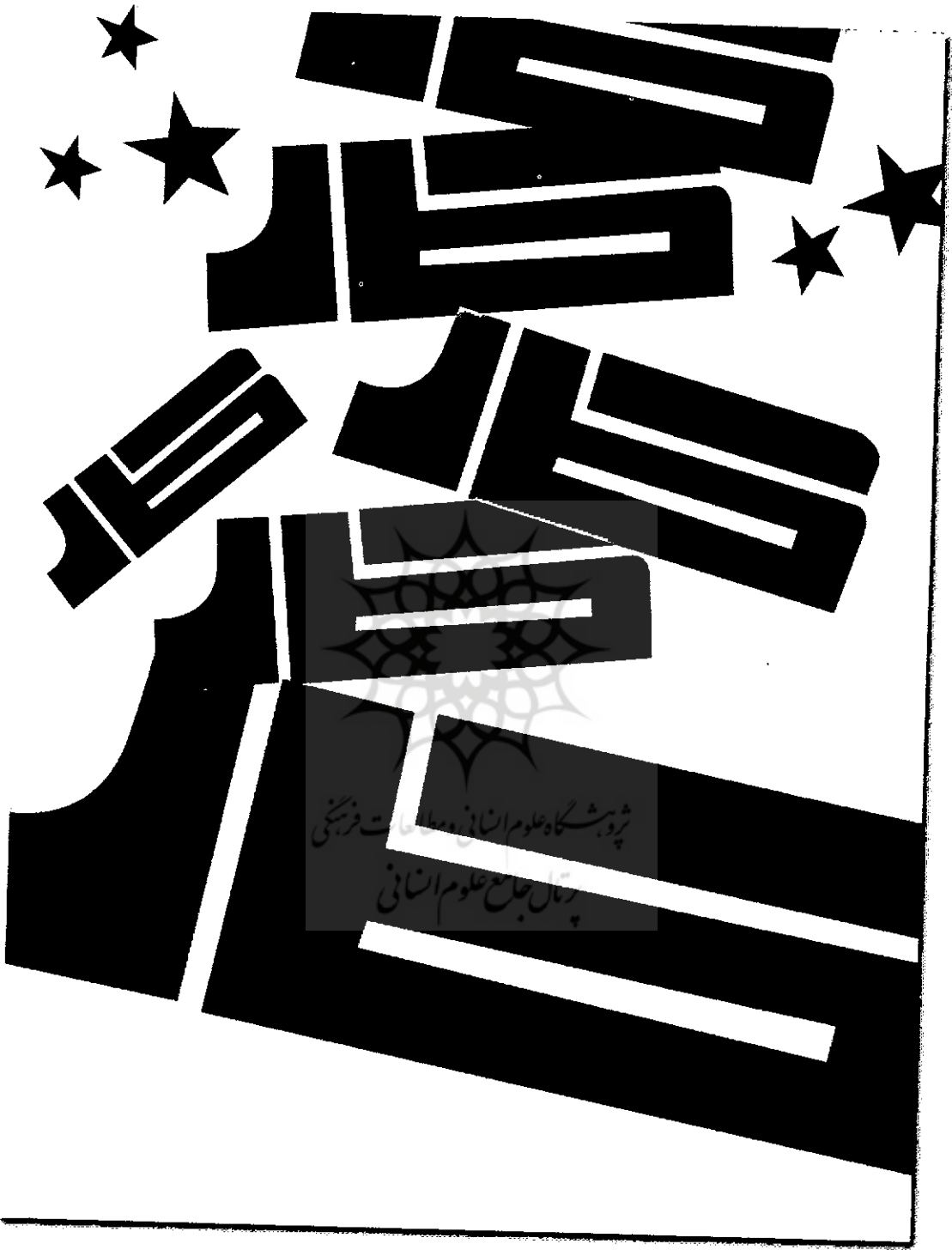
یادداشت‌ها:

1. Ellen Mutari, "Minimum Wages," in J. Peil and I. V. Staveren (eds.) *Handbook of Economics and Ethics* (Cheltenham: Edward Elgar, 2009) p. 333.
2. Thomas C. Leonard, "The Very Idea of Applying Economics: The Modern Minimum-wage Controversy and its Antecedents," *History of Political Economy*, Vol. 32, No. 4 (Winter 2000 supplement) p. 119.
۳. کارل مارکس، *کارمزدی و سرمایه، ارزش قیمت و سود*، ترجمه میر جواد سیدحسینی و نقیسه غدیان‌پور (تهران: انتشارات لحظه، ۱۳۸۵) ص ۳۸.
۴. همان، ص ۵۲.
۵. فرانسیس ایراود و ساجت کاترین، *اصول اساسی تعیین حداقل دستمزد*، ترجمه سعید عیسی‌زاده (تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶) ص ۵.
۶. همان، ص ۳.
۷. محسن آشتی، *حقوق کار* (تهران: انتشارات مدرسه عالی بیمه ایران، ۱۳۵۵) ص ۲۵۳.

۸. همان. ص ۲۵۴.
۹. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، بررسی ساختار مزد و حداقل مزد (تهران: مؤسسه تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳) ص ۳۴.
۱۰. م. خواجه‌نوری، «حداقل مزد در ایران»، طرح پژوهشی، مؤسسه عالی کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۱، ص ۷.
۱۱. مرکز آمار ایران، سال‌نامه آماری (تهران: مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف)
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. فردین یزدانی، «مطالبات کارگران و کارفرمایان، واگرایی‌ها و همگرایی‌ها»، وبسایت الیرز: نقد اقتصاد سیاسی، ۲۵ اسفند ۱۳۸۷، در تارنمای ذیل:
- <http://www.alborznet.ir/Fa/ViewDetail.aspx?T=2&ID=75>
۱۵. فریبرز رئیس‌دانا و محمد مالجو، «قانون کار یا قانون بیکاری: تأملی در پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار در ایران»، گفتگو، شماره ۴۹، مرداد ۱۳۸۶، ص ۷۸.
۱۶. فردین یزدانی، پیشین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی